

سخن سردبیر

نگرشی بر ژرفای آمار فاخر تولید مستندات علمی کشور در مقام مقایسه با رویه نضج و توسعه علم در دیگر اقالیم، موید واقعیاتی تأمل برانگیز است؛ به طوری که ایران را به لحاظ تولید مقاله می‌توان در رتبه 17 جهان یافت اما از حیث شاخص ارجاع به مقالات از سوی محققان با محاسبه خود ارجاعی، در رتبه 181 و به لحاظ نوآوری از بین 142 کشور در رتبه 113 قرار دارد. به‌رغم نشر مقالات معتابه و متناوب علمی، پژوهشی و ISI، کمتر این تولیدات حلال واقعی مشکلات کشور بوده است. این واقعیت را می‌توان با مقایسه نوآوری‌های علمی مثلاً در دو رشته پر مقاله شیمی و کشاورزی از یک سو و آمار واردات کالاهای مرتبط با دو رشته مزبور از جانب دیگر دریافت. اگر کشور به حیث تولید علمی در این دو رشته در صدر قرار دارد، واردات انواع و اقسام تولیدات شیمیایی و کشاورزی چگونه توجیه می‌شود؟ بدین‌سان پیشگامان هر یک از شاخه‌های علمی ایران از جمله جغرافیا، به سهم خویشتن بایستی به دنبال کنکاش پاسخی در جواب چرایی و برون رفت از وضع مبتلا به باشند.

سال‌های مدیدی است که علم جغرافیا خرقه کهنه‌ی توصیف‌گری را با ردای تحلیل‌گری فضا، انسان و طبیعت معاوضه نموده و به اصطلاح مشعل‌دار «جغرافیای نو»، شده است. این فرازش جغرافیا در لوای اهداف بدیع آن از دهه 1950، بستر انقلابی با گرایش روزافزون به بهره‌جویی از مدل‌های کمی و ریاضیاتی را در خیل عظیم اندیشمندان و پویش‌گران حقایق جغرافیایی در هر اقلیمی از کره‌ی خاکی به وجود آورد. حال که گذشت زمان آن نو شدگی را کهنه نمود و «جغرافیای مرسوم» را ساخت، بازاندیشی و بنیادگرایی در تولیدات علمی از سوی عالمان و قلم‌زنان این علم دارای اهمیت بی‌بدیلی است.

بنیادسنجی بر رویکرد و ماهیت تولیدات علمی جامعه جغرافیای ایران موید این واقعیت آشکار است که اکثر محققان، طلاب و مشق‌نویسان در تلاش برای بیان حتمی حقایق فضای جغرافیایی با استعانت از روش‌های آماری و ریاضیاتی هستند؛ به گونه‌ای که در این راستا اقدام به خلاصه‌سازی خارج از منطق واقعیت‌های جهان پیچیده در قالب چند متغیر زودآزما و تنها برآزمایی آن با گزینش یکی از روش‌های آماری، استفاده از نظرسنجی‌های طیفی در عوض کارهای طاقت فرسای اکتشافی و برآورد کمی شاخص‌های اقتصادی و یا محیط زیستی، بی‌توجهی و درنظر نگرفتن انواع مداخله‌گرها در روابط مورد مطالعه تحقیق و ذبح کیفیت تولیدات علمی برای کمیت می‌نمایند که منجر به رکود تحلیل در تولیدات علمی جغرافیا و رونق جنبش پرتطرفدار و فخرآفرین «آماریسیم» در کشور شده است.

در معرکه‌ی علم جغرافیا از مسبب‌های این واماندگی از جریان افزونش روش‌های ناب و ژرفانگر علمی را می‌توان هم نبود تبیین درست از نحوه کاربست مدل‌های کمی و سطحی‌نگری در کمیات دانست و هم نبود فضای نقد و بیان روشن چالش‌ها. تاکنون ماحصل این زایش‌های سر و تن خراب دانش در جغرافیا آن چه که بوده، دست نیازیدن به معرفت واقعی جغرافیایی از محیط انسانی – طبیعی ایران و به تبع، ناکارآمدی علم در میدان عمل.

حسن افراخته